

اثرات و پیامدهای استقرار شهرکهای صنعتی لامرد در توسعه مناطق روستایی^۱

محمد غلامی^{۲*}

چکیده

راهبرد صنعتی‌شدن یکی از روش‌های اساسی است که برنامه‌ریزان کشورهای در حال توسعه با نیل به آن امیدوارند از مشکلاتی مانند فقر، تراکم بیش از اندازه جمعیت و نابرابری‌های فضایی رهایی یابند. با این دید، استقرار شهرکهای صنعتی به عنوان روشی برای رسیدن به اهداف کلی توسعه مورد توجه برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته و تصور بر این است که با ایجاد صنایع در روستاها می‌توان موجب تنوع اقتصاد روستایی، افزایش ارزش افزوده تولیدات کشاورزی، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد روستاییان، کاهش مهاجرت روستایی و در نهایت کاهش نابرابری میان شهر و روستا گردید. این پژوهش با شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی به بررسی اثرات شهرک‌های صنعتی لامرد بر سکونتگاههای روستایی پیرامون و روندهای اجتماعی-اقتصادی حاکم بر شهرک صنعتی پرداخته است. جامعه آماری را تمامی کارگاه‌های مستقر در شهرکهای صنعتی تشکیل داده و از تمامی نیروی-های شاغل در واحدهای صنعتی، آمارهای مربوطه استخراج گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که: شهرک‌های صنعتی لامرد در پهنه‌ی منطقه‌ای دارای اثرگذاری نبوده و سکونتگاههای روستایی محدوده آن به روندهای منفی جمعیتی رسیده‌اند. همچنین این شهرک‌ها بیشتر از روندهای شهری تأثیر پذیرفته و اکثریت صاحبان کارگاههای صنعتی و کارگران شاغل در آنها دارای منشأ شهری می‌باشند و این عامل باعث گردیده که اثرگذاری فضایی شهرک صنعتی به سوی شهر سوق یابد.

واژه‌های کلیدی: پیامدهای فضایی، توسعه روستایی، شهرک‌های صنعتی، شهرستان لامرد.

^۱ این مقاله برگرفته از طرحی می‌باشد که هزینه آن از سوی معاونت پژوهشی دانشگاه پیام نور استان فارس تأمین شده است.

^۲ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز لامرد، ایران.

بیان مسئله:

پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای در حال توسعه به منظور نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی به خصوص در نواحی روستایی روش‌های مختلفی را تجربه نمودند، که این روش‌ها تحت عنوان راهبردهای توسعه شناخته می‌شوند. یکی از این راهبردهای مهم توسعه، صنعتی‌سازی است. کشور ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه برای تقویت ساختاری خود و ایجاد تعادل بین شهر و روستا، توسعه صنایع و ایجاد شهرکهای صنعتی روستایی را به عنوان یک راهبرد در پیش گرفت. در این زمینه گروهی از محققان توسعه روستایی معتقدند؛ صنعتی شدن روستاها در چارچوب طرح جامع ملی با سه هدف عمده اصلاح درآمد سرانه، کاهش بیکاری و کاهش عدم تعادل بین مناطق، امری اجتناب ناپذیر در فرایند توسعه اقتصادی کشور است. با عنایت به این مهم، در دو دهه‌ی اخیر استقرار صنایع در روستاها در قالب شهرک‌ها و نواحی صنعتی در دستور کار مسئولان و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

از دهه ۱۹۵۰م به بعد، صنعتی سازی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به منظور دستیابی سریع به تنوع تولیدات، بهینه سازی تولید در رشد صنعت و بهره‌گیری از امکانات و قابلیت‌های هر منطقه به طور گسترده توسعه یافت. به عبارت دیگر صنعتی شدن یکی از راه‌های اساسی است که کشورهای در حال توسعه امید دارند که با نیل به آن از مشکلاتی مانند فقر، عدم امنیت، تراکم بیش از اندازه جمعیت و مسائل نابرابری‌های فضایی رهایی یابند. در این راستا یکی از سیاستهای اساسی توسعه روستایی دولتها در ایران تنوع بخشیدن به اقتصاد روستا، جلوگیری از مهاجرت روستاییان و کاهش نابرابری‌های فضایی بین مناطق شهری و روستایی است؛ که این اهداف کلی در قالب برنامه‌ها و طرحهایی تدوین شده و به صورت هدایت شده در بخشهای مختلف کشور بویژه در نواحی روستایی در حال اجراست. در کشور و از آغاز دهه ۱۳۴۰ ه. ش به کمک درآمدهای نفتی و با تأسیس مؤسسات تولیدی کوچک و بزرگ، بخش صنعت روبه پیشرفت بوده است. بدین منوال و به ویژه از بعد از انقلاب اسلامی در مناطق بالقوه روستایی، توسعه صنایع به عنوان روشی برای رسیدن به اهداف کلی توسعه مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته و تصور اصلی بر این است که: ایجاد صنایع در روستاها می‌تواند موجب متنوع ساختن اقتصاد روستایی، افزایش ارزش افزوده تولیدات کشاورزی، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد روستاییان، کاهش مهاجرت روستایی و در نهایت کاهش نابرابری میان شهر و روستا گردد. بدین ترتیب استقرار شهرکهای صنعتی به عنوان یک راهبرد در سطح ملی، در جهت تحقق اهداف فوق الذکر بوده است.

در این راستا وجود شهرکها، مناطق و کارخانه‌های صنعتی در داخل یا نزدیکی مناطق مسکونی، به دلیل دارا بودن شرایط نامناسب بهداشتی و زیست‌محیطی برای ساکنین نامطلوب خواهد بود. ایجاد این شهرکها در بیرون از شهرها و مناطق مسکونی، به ایجاد محیطی سالم و زمینه تخصیص زمین بیشتر به کاربریهای دیگر شهر منجر خواهد شد و با ایجاد شهرک-های صنعتی در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای و به کارگیری اصول صحیح، علاوه بر جلوگیری از هدر رفتن زمین‌های زراعی و کشاورزی، می‌توان مانع از خالی شدن روستاها و جذب شدید مهاجرین به شهرهای بزرگ شد. به عبارت دیگر با برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای می‌توان از حرکت بی‌رویه جمعیت جلوگیری نمود و نیروهای انسانی سرگردان را به صورت صحیح به بخش اشتغال هدایت کرد. بر این اساس، شهرک صنعتی شهرستان لامرد در دو فاز تصویب و فاز اول آن در سال ۱۳۷۸ و فاز دوم آن در سال ۱۳۸۲ تأسیس و عملیات اجرایی آن در یک منطقه کاملاً روستایی آغاز شد. با توجه به گذشت یک دهه از تأسیس و شروع فعالیت واحدهای صنعتی مستقر در این شهرک صنعتی و لزوم ارزیابی علمی عملکرد آن، پژوهش حاضر به بررسی اثرگذاری شهرک صنعتی شهرستان لامرد بر تحولات فضایی مناطق سکونتگاهی روستایی محدوده شهرک صنعتی می‌پردازد.

پیشینه تحقیق:

به لحاظ مفهومی، صنعتی شدن مناطق روستایی به معنای استقرار صنعت در تمامی مراکز روستایی نیست؛ بلکه هدف از فرآیند صنعتی شدن، ایجاد قطب‌های صنعتی در مراکز منتخب روستایی است تا این مراکز بتوانند ضمن بهره‌برداری از منابع محلی، مکان مناسبی برای تحت پوشش قرار دادن مراکز روستایی پیرامون خود باشند. بدین منظور به نظر می‌رسد که مفهوم صنعتی شدن روستایی تا حدود زیادی می‌تواند مترادف با ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی باشد (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۳).

در این راستا صاحب نظران زیادی به لزوم تأسیس، مکان‌یابی، مزایا و معایب شهرک‌های صنعتی، اهمیت صنایع روستایی و اثرات و پیامدهای آن در فضاهای جغرافیایی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اشاره نموده‌اند که به بررسی اجمالی چند مورد از آنها در خارج و داخل از کشور می‌پردازیم:

ام. تی. هاگ ضمن تحلیل فرایند توسعه روستایی بر این باور است که در امتداد با دیگر بخشهای اقتصادی و اجتماعی، صنعت باید به عنوان مهم‌ترین مؤلفه هر برنامه‌ی توسعه یکپارچه روستایی پذیرفته شود. ماهیت و الگوی صنعتی شدن چه در ابعاد کوچک مقیاس، و یا صنایع دستی و چه در صنایع بزرگ مقیاس تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطقه‌ای است. هاگ تصریح می‌کند که صنعتی شدن ضمن ایجاد مهارتهای جدید و ایجاد هماهنگی موجب شکستن موانع سنتی رشد اقتصادی در مناطق روستایی است (Hag, 1979: 107).

دیوید راجرز با بررسی اثرات استقرار صنعت، در شهرک‌ها و مناطق روستایی ایالت آیوا نشان می‌دهد که صنعتی شدن روستایی منافع وسیعی را برای اجتماعات مورد مطالعه در برداشته؛ به طوری که سبب افزایش یکپارچگی خانوارها، افزایش درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمدها شده است (Rogers, 1978: 25). یو. سی. نایاک ضمن تحلیل روندهای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه معتقد است که: ارائه طرحهای توسعه برای مناطق روستایی این کشورها غالباً با شکست روبه‌رو شده‌اند. از نظر وی تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری مناطق روستایی ایجاد فرصتهای شغلی است و برنامه‌ریزی جهت استقرار صنعت در اینگونه مناطق می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق سازد (Nayak, 1994: 219). جی. تی. شای نیز با بررسی سیاست‌های توسعه روستایی در کشور تایوان ظهور تخصص‌گرایی، تعادل مناطق شهری و روستایی، افزایش درآمدهای محلی و افزایش ضریب اشتغال غیرکشاورزی را از اثرات استقرار صنعت در نواحی روستایی می‌داند (Shin, 1985: 195).

سلیمانی (۱۳۷۱) در رساله دکتری خود «صنعتگرایی و تحولات شهرنشینی اراک با تأکید بر تأثیرات متقابل شهر اراک و شهر صنعتی» به بررسی انواع شهرکها پرداخته و نکات مثبت و منفی ایجاد شهرکهای صنعتی را بر شهر اراک، از نظرات زیست محیطی و فشار وارد بر خدمات و تسهیلات شهر اراک را مورد بررسی قرار داده است. طاهرخانی (۱۳۷۸) نیز در رساله دکتری خود «نقش نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی» را مورد پژوهش قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: ایجاد فرصتهای شغلی برای روستاییان موفقیت‌آمیز نبوده است. بررسی شاخص‌های توسعه نزد شاغلین نواحی روستایی و ساکن در نواحی روستایی در دوره قبل و بعد از اشتغال، بیانگر تفاوت معنادار در الگوی مصرف مواد غذایی و استفاده از کالاهای مصرفی با دوام است.

نجفی کانی (۱۳۸۵) در رساله دکتری خود با عنوان «نقش شهرکها و نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی از دیدگاه توسعه پایدار مطالعه موردی: شهرکها و نواحی صنعتی شهرستان بابل» به این موضوع پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در دو دسته جامعه نمونه (روستاهای دارای صنایع و روستاهای فاقد صنایع) اکثر شاخص‌های توسعه اعم از الگوی مصرف (خوراک، پوشاک و کالاهای مصرفی) مسکن، بیمه، رضایت و امنیت شغلی، آموزش، انگیزه‌های ماندگاری در روستا تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

غلامرضایی (۱۳۸۶) در رساله دکتری خود «عملکرد شهرک‌های صنعتی در توسعه منطقه‌ای، مورد: شهرک‌های صنعتی شماره یک خرم‌آباد» به بررسی عملکرد شهرک‌های صنعتی و موفقیت و یا عدم موفقیت آن پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که: اکثر قریب به اتفاق کارگاههای شهرک‌های صنعتی به دلایلی از قبیل: عدم تخصص مدیران، عدم توجه به توانهای محلی، عدم کیفیت کالاهای تولیدی، استفاده از مواد خام از منابع فرا محلی و حتی منطقه‌ای، نبود تولید زنجیره‌ای در کارگاهها و نبود تسهیلات رفاهی، در حال ورشکستگی می‌باشند.

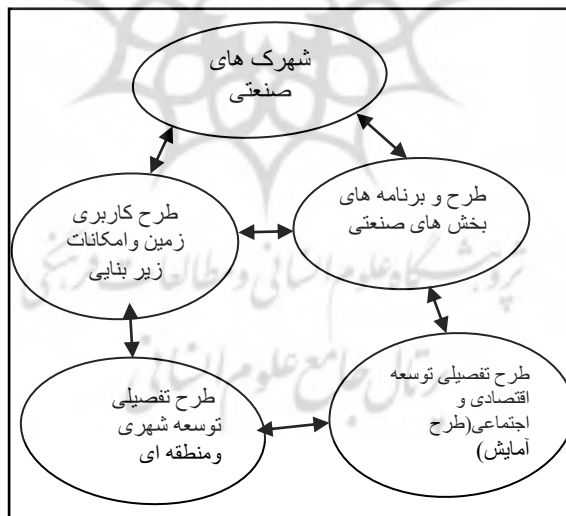
مبانی نظری:

صنعتی شدن مناطق روستایی به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر مناطق روستایی، هم اینک بخشی بالقوه در جهت حل مشکل بیکاری برای مناطق محروم محسوب می‌گردد

(طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۲). بر اساس این دیدگاه صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیتهای غیرکشاورزی عاملی مهم در افزایش رفاه و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانوارهای روستایی محسوب می‌شود. نفوذ صنعت در مناطق روستایی ضمن ایجاد اقتصادی فعال می‌تواند دارای اثرات زیادی باشد، به طوری که تجربه کشورهای متعدد نشان می‌دهد هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن، نه تنها نقش اقتصادی با ارزش در مناطق روستایی ایجاد می‌کند، بلکه منجر به اقتصاد خود رانشی می‌شود (Misra, ۱۹۹۰: ۱۷). بر این اساس صنعتی شدن می‌تواند نقش بسیار مهمی در توسعه روستایی از طریق افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصتهای شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی ایفا نماید.

بدون تردید صنعتی شدن یک تصمیم سرنوشت ساز در زمینه‌ی توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان است و ضرورتی غیر قابل انکار می‌باشد (حیدری، ۱۳۸۱: ۱۴۲)، که اثرات آن در همه بخشهای اقتصادی احساس شده و باعث تحرک قسمت زیادی از منابع مالی در جهت توسعه اقتصادی می‌شود (کاسترو، ۱۳۶۵: ۱۲۹). به عبارت دیگر، صنعتی شدن به عنوان ابزار ایجاد رشد سریع اقتصادی و توسعه اجتماعی کشورهای در حال توسعه می‌باشد و صنعتی شدن روستایی به عنوان قسمت از سیاست توسعه همه جانبه روستایی که قادر است هم با ایجاد فرصتهای شغلی و هم با تأمین نیازهای اساسی جمعیت روستایی گامی در جهت توسعه روستایی باشد، معرفی شده است. لذا کوشش برای تمرکززدایی پاره‌ای از صنایع به خصوص صنایع تبدیلی جهت استفاده بهینه از منابع محلی برای افزایش تولید و مصرف در ابعاد محلی، حرکتی ضروری جهت حصول به توسعه روستایی است. این حرکت در بلندمدت ضمن ایجاد اشتغال به توزیع درآمد و تولید پایدار کمک نموده (Unido, ۱۹۸۴: ۱۷) و با استفاده از منابع محلی سبب تحکیم الگوی عدم تمرکز صنایع و کاهش اختلاف زندگی در نواحی شهر و روستا می‌شود (Abraham, ۱۹۹۴: ۶۲۴). بر این اساس به منظور جلوگیری از رشد ناموزون منطقه باید توجه بیشتری به توسعه صنعت نمود، چراکه صنعت به دلیل انعطاف‌پذیری و قابلیت جابجایی عوامل تولیدی آن، می‌تواند به عنوان اهرمی در جهت توسعه مناطق عقب مانده مورد استفاده قرار گیرد (کلانتری، ۱۳۸۸: ۵۷). (نمودار شماره ۱).

نمودار ۱: ارتباط شهرک های صنعتی با برنامه ریزی منطقه ای و طرح آمایش سرزمین



مأخذ: (شرکت شهرکهای صنعتی ایران، ۱۳۶۴: ۱۰۷)

با درک چنین روندهایی در توسعه منطقه‌ای، تأسیس شهرکهای صنعتی به عنوان یک راهبرد توسعه مورد توجه بوده است. این شهرکها و مجتمع‌های صنعتی در هر منطقه تابعی از شرایط اقتصادی، مقتضیات اجتماعی و فرهنگی، امکانات منابع طبیعی، مزیت‌های جغرافیایی و مهم‌تر از آن تابعی از انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی دولت‌ها است. بدین منوال مهم‌ترین اهداف ایجاد و گسترش شهرک‌های را می‌توان چنین برشمرد:

۱. استقرار منطقی گروه‌های مختلف در فضاهای مناسب برای هر رشته از صنعت؛

۲. تأمین رشد موزون فیزیکی و هماهنگ صنایع به تناسب فراهم ساختن خدمات زیربنایی و تسهیلات اجتماعی و اقتصادی متمرکز مورد نیاز؛
۳. بهره‌گیری مناسب از زمین، به ویژه در مناطق شهری، با هدف دستیابی به الگوی بهینه کاربری زمین؛
۴. به حداکثر رساندن استفاده از منابع مالی، طبیعی و انسانی از راه سازماندهی بهتر امور تولید و تمرکز مدیریت؛
۵. تحقق صرفه جویی‌ها در راستای تأمین خدمات و تسهیلات زیربنایی - اجتماعی به طور مشاعی؛
۶. جلوگیری از گسترش بی‌رویه کارخانه‌های صنعتی در فضاهای مسکونی شهری و محافظت از مناطق مسکونی و سایر مناطق غیرصنعتی در برابر مزاحمتها و مشکلات ناشی از فعالیت‌های صنعتی؛
۷. ممانعت از برهم خوردن تعادل‌های زیست محیطی، گسترش آلودگی و تخریب منابع طبیعی در مناطق شهری و روستایی (مطالعات صنعت و فضا، ۱۳۷۲: ۲).

روش تحقیق:

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. در روش میدانی، دو سطح پرسشنامه جهت مدیران و کارگران کارگاهها تهیه و داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شده است. برای گردآوری اطلاعات لازم، ابتدا متغیرهای مورد بررسی بطور سیستماتیک به سؤالات مناسب برگردانیده و سپس به صورت یک پرسشنامه تخصصی تنظیم شده‌اند. برای شناخت میزان پایایی (Reliability) سؤالات تحقیق، ابتدا پرسشنامه مقدماتی را تست نموده و سپس این پرسشنامه را با لحاظ کردن نظرات متخصصان روش تحقیق، اصلاح و با لحاظ کردن نظرات کارشناسان امور توسعه روستایی، پرسشنامه نهایی تهیه و اجرا گردید. به منظور تعیین پایایی ابزار پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برابر با $0/78$ به دست آمد که نشان دهنده قابلیت اعتماد و پایایی بالای مقیاس تهیه شده بود. به لحاظ تعداد نسبتاً کم واحدهای صنعتی موجود در شهرک صنعتی (۱۳ واحد صنعتی) تمام واحدهای موجود، مورد پرسش و بررسی قرار گرفته‌اند و از نمونه‌گیری در بین واحدها خودداری گردیده است. در گام بعدی، تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده بر اساس شاخص‌های مورد نظر، صورت گرفته و سپس با توجه به ماهیت فرضیات، با تحلیل آمار توصیفی و تحلیل عوامل مورد ارزیابی قرار گرفته است. شاخص‌های مورد مطالعه در این پژوهش در دو گروه به شرح ذیل دسته‌بندی و مورد سنجش قرار گرفت:

الف) شاخص‌های جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی محدوده شهرک صنعتی:

جمعیت و مشخصات آن، نقش تعیین کننده‌ای در تبیین هویت فضا و مکان بر عهده دارند. بنابراین هر گونه تغییر و تحول در نظام جمعیتی، اثرات و پیامدهای مختلفی در فضا بر جای می‌گذارد. شاخص‌های جمعیتی مورد مطالعه در این پژوهش شامل تعداد جمعیت، تعداد خانوار، بعد خانوار و میزان نرخ رشد جمعیت در سکونتگاههای محدوده شهرک صنعتی می‌باشد.

ب) شاخص‌های مربوط به شهرک صنعتی و روندهای حاکم بر آن:

شاخص‌های مورد بررسی در این زمینه عبارتند از: نوع فعالیت واحدهای صنعتی، میزان تولید و میزان درآمد کارگاهها، میزان درآمد و نحوه دستمزد کارگران شاغل، محل سکونت صاحبان و کارگران شاغل، وضعیت میزان سواد شاغلین و وضعیت حقوقی و مالکیت کارگاهها.

موقعیت شهرکهای صنعتی مورد مطالعه:

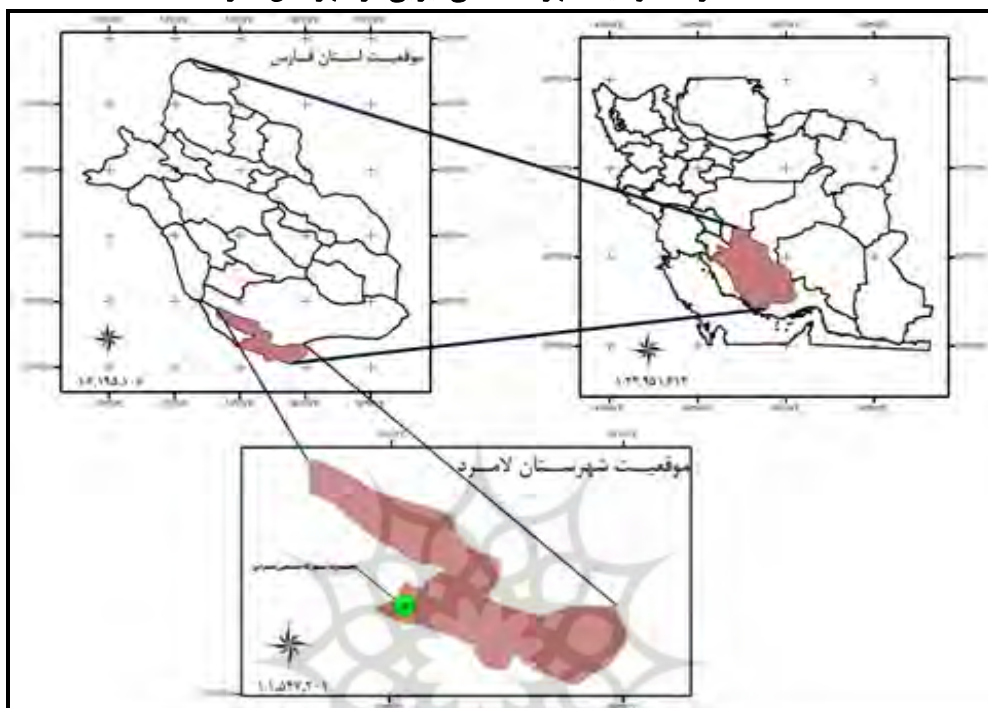
ناحیه صنعتی نیرایی:

این ناحیه صنعتی در کیلومتر ۵ جاده لامرد - مَهر در نزدیکی روستای نیرایی از توابع بخش مرکزی شهرستان لامرد در سال ۱۳۷۸ تأسیس شده است. (نقشه شماره ۱). این شهرک صنعتی که به عنوان فاز اول ناحیه صنعتی نیرایی تأسیس گردیده است، دارای ۲۰ هکتار مساحت است.

شهرک صنعتی زنگنه:

این شهرک صنعتی در کیلومتر ۶ جاده لامرد - مَهر در نزدیکی روستای زنگنه از توابع بخش مرکزی لامرد در سال ۱۳۸۲ تأسیس شده است. این شهرک صنعتی که به عنوان فاز دوم ناحیه صنعتی نیرایی راه‌اندازی شده است، دارای ۲۰ هکتار مساحت است. این دو شهرک صنعتی زیر نظر شرکت شهرک‌های صنعتی استان فارس اداره می‌گردند. (جدول شماره ۱).

نقشه شماره ۱: موقعیت شهرک صنعتی نیرایی در شهرستان لامرد



جدول ۱، مشخصات شهرکهای صنعتی شهرستان لامرد

عنوان	محل اجرا	وضعیت	ظرفیت (اشتغال نفر)	مساحت (هکتار)
شهرک صنعتی نیرایی	بخش مرکزی (روستای نیرایی)	در حال بهره برداری	۳۰۰	۲۰
شهرک صنعتی زنگنه	بخش مرکزی (روستای زنگنه)	در حال بهره برداری	۵۰۰	۲۰

مأخذ: سایت شهرکهای صنعتی استان فارس، ۱۳۸۸

یافته‌های تحقیق :

سنجش شاخصهای جمعیتی سکونتگاه های محدوده شهرک های صنعتی :

در شاخص‌های جمعیتی از سه شاخص تعداد خانوار، تعداد جمعیت و بعد خانوار در سه مقطع زمانی ۱۳۷۵، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۵ به تفکیک ۱۷ سکونتگاه، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ از مجموع ۱۷ سکونتگاه مورد بررسی تعداد ۲۹۵۵ نفر جمعیت وجود داشته که با نرخ رشد ۰.۶ درصدی به ۳۱۳۴ نفر در سال ۱۳۸۱ رسیده است. در این دوره ۳ روستای جوهری، سبخی و قلعه مظفر به نرخ رشد جمعیتی منفی رسیده‌اند و روستای تَرمَن دارای نرخ رشد صفر بوده است. این تعداد جمعیت نیز در یک دوره ۴ ساله (۱۳۸۱ - ۱۳۸۵) با کاهش ۰.۴ درصدی نرخ رشد نسبت به دوره قبل به ۳۱۸۷ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. در دوره میانی ۸ روستای چخوها، زنگنه، سبخی، قلعه غلام عبدالله، قلعه

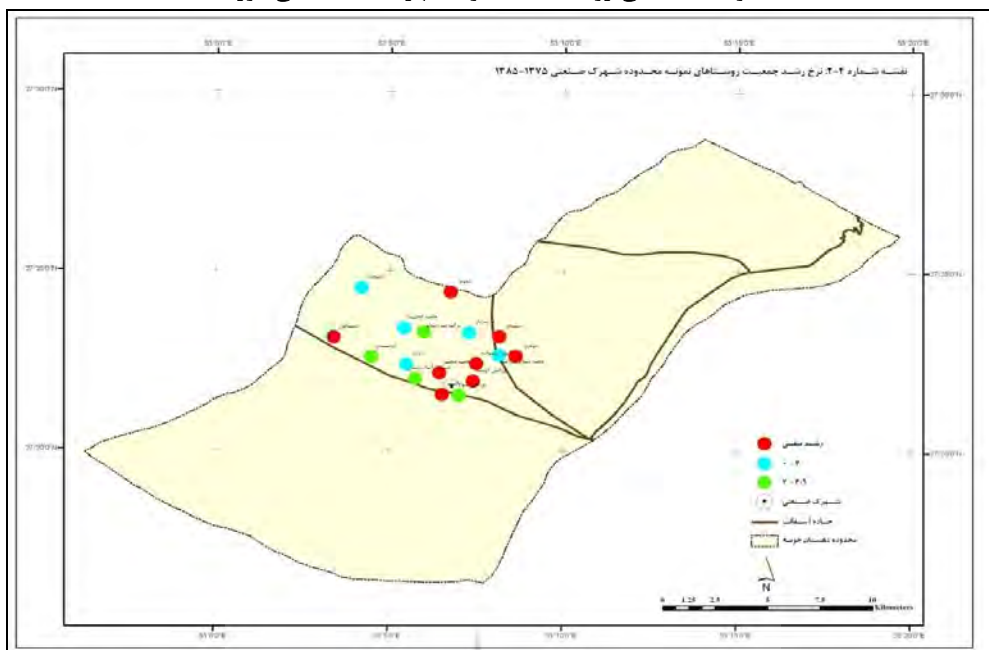
کچلها، کهور سوخته، لشخره و لشکون به نرخ رشد منفی تعداد جمعیت و روستای جوهری، به نرخ رشد صفر جمعیتی رسیده است. در مجموع در این دوره تنها سه روستای ترمان، نیرایی نو و قلعه مظفر نسبت به دوره قبل از نرخ رشد تعداد جمعیت بالاتری برخوردارند. بررسی وضعیت نرخ رشد جمعیت سکونتگاهها در دوره ده ساله (۱۳۷۵-۱۳۸۵) نشان می‌دهد که هفت روستای جوهری، چخوها، زنگنه، سبخی، قلعه مظفر، کهور سوخته و لشکون که مجموعاً در سال ۱۳۷۵ دارای ۱۰۱۴ نفر جمعیت که معادل ۳۴.۳۱ درصد از مجموع جمعیت بوده است، در سال ۱۳۸۱ به ۹۵۳ نفر و ۳۰.۴۱ درصد و سپس در سال ۱۳۸۵ با کاهش همراه بوده و به ۸۶۲ نفر و ۲۶.۹۹ درصد رسیده است. (جدول شماره ۲). این وضعیت می‌تواند بیان‌کننده این باشد که استقرار شهرکهای صنعتی شهرستان لامرد (نیرایی و زنگنه) به عنوان یک متغیر توسعه نتوانسته‌اند در پهنه منطقه‌ای نقشی مهم را ایفا کنند و تثبیت جمعیت سکونتگاههای محدوده خود را به همراه داشته باشند. (نقشه‌های شماره ۲ و ۳).

جدول ۲: میزان نرخ رشد و تعداد خانوار روستاهای محدوده شهرک های صنعتی در فاصله سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵

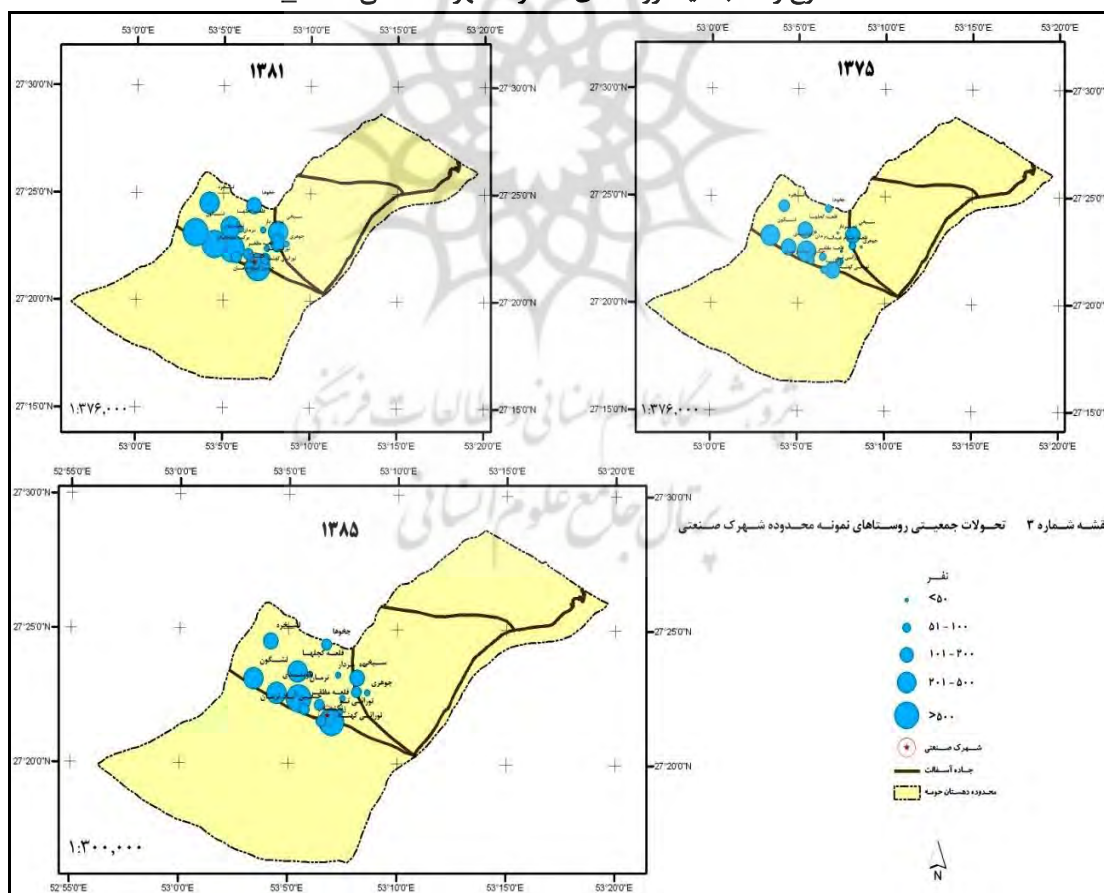
ردیف	نام آبادی	تعداد خانوار			نرخ رشد تعداد خانوار		
		۱۳۷۵	۱۳۸۱	۱۳۸۵	۸۱-۷۵	۸۵-۸۱	۸۵-۷۵
۱	برکه ماه بانو	۶	۸	۸	۲.۹	۰	۲.۹
۲	ترمان	۱۰۰	۱۰۵	۱۲۷	۰.۵	۱.۹	۲.۴
۳	جوهری	۵	۱	۱	-۱۴.۵	۰	-۱۴.۹
۴	چخوها	۱۹	۲۱	۲۳	۱	۰.۹	۱.۹
۵	حسین آباد ترمان	۱۳	۱۸	۲۲	۳.۳	۲	۵.۴
۶	ده سردار	۶	۵	۵	-۱.۸	۰	-۱.۸
۷	زنگنه	۱۵	۱۵	۱۵	۰	۰	۰
۸	سبخی	۴۸	۵۵	۵۲	۱.۴	-۰.۶	۰.۸
۹	قلعه غلام عبدالله	۱۸	۲۶	۲۷	۳.۷	۰.۴	۴.۱
۱۰	قلعه کچلها	۵۴	۵۹	۶۹	۰.۹	۱.۶	۲.۵
۱۱	قلعه مظفر	۱۷	۱۶	۱۸	-۰.۶	۱.۲	۰.۶
۱۲	کهور سوخته	۵	۷	۶	۳.۴	-۱.۵	۱.۸
۱۳	لشخره	۳۲	۴۳	۴۴	۳	۰.۲	۳.۲
۱۴	لشکون	۷۸	۷۷	۸۰	-۰.۱	۰.۴	۰.۳
۱۵	ناوبندی	۵۶	۷۸	۸۳	۳.۴	۰.۶	۴
۱۶	نورائی کهنه	۱۳	۱۷	*	۲.۷	*	*
۱۷	نورائی نو	۶۴	۷۴	۱۱۸	۱.۵	۴.۸	۶.۳

مأخذ: محاسبات نگارندگان بر اساس: مرکز آمار ایران، سرشماری سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

نقشه ۲، تحولات جمعیتی روستاهای محدوده شهرکهای صنعتی مورد مطالعه



نقشه ۳، نرخ رشد جمعیت روستاهای محدوده شهرک صنعتی ۱۳۸۵_۱۳۷۵



وضعیت کارگاههای موجود:

از تعداد ۱۳ کارگاه صنعتی در دو شهرک صنعتی نیرایی و زنگنه، ۹ واحد فعال، ۲ واحد تعطیل و ۱ واحد در دست بهره‌برداری و یک واحد به علت عدم دریافت تسهیلات لازم با ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی هنوز نتوانسته به بهره‌برداری برسد. عدم تناسب با نیازهای بازار و یا پایین بودن کیفیت محصولات و یا عدم دسترسی به مواد اولیه می‌تواند از دلایل تعطیلی کارگاههای صنعتی باشد. (جدول شماره ۳).

جدول ۳، مشخصات کارگاههای مستقر در شهرکهای صنعتی شهرستان لامرد

تعداد کارگاهها	شاغلین	متوسط درآمد سالانه کارگاهها (میلیون ریال)	متوسط درآمد ماهانه کارگران (هزار ریال)	مساحت اراضی کارگاهها	مساحت فضای سبز	درصد فضای سبز اراضی کارگاهها
۱۳	۱۴۰	۶۷۸	۳۲۰۰	۳۸۵۵۱	۱۳۹۰	۳.۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۸

میزان تولید و درآمد کارگاهها:

میزان تولید بر اساس نوع هر واحد کارگاهی دارای سنجه میزانی متفاوتی است، در تولیدات چوبی بر اساس متر مربع و در تولیدات دیگر بیشتر با تن مورد سنجش قرار می‌گیرد. در این پژوهش ۶ کارگاه صنعتی میزان تولیدات خود را ذکر کرده‌اند که کارگاه صنعتی «آلام صنعت» میزان تولیدات خود را ۴۰۰۰ تن، «نفیس نایلون فارس» ۸۰۰ تن، «پولاد برم» ۶۰۰ تن، «تولید نایلون و نایلکس (یاسمن پلاستیک)» ۱۲۰ تن و «تولید محصولات چوبی و ام دی اف (صنایع چوب حدیث)» ۴۰۰۰ متر مربع است. متوسط میزان درآمد کارگاههای صنعتی بر اساس اطلاعات پرسشنامه‌ای از شش واحد کارگاهی که به این پرسش پاسخ داده‌اند؛ برابر با ۶۷۸ میلیون ریال است.

میزان درآمد و نحوه دستمزد کارگران شاغل در کارگاه های صنعتی:

متوسط میزان درآمد کارگران این تعداد کارگاهها برابر با «سه میلیون و دویست هزار ریال» است. این روند نشان می‌دهد که اکثریت کارگران دارای مزد و حقوق هستند و این امر می‌تواند در تحولات توسعه‌ای اثرگذار باشد.

محل سکونت صاحبان و کارگران شاغل در شهرک های صنعتی:

محل سکونت صاحبان و کارگران شاغل در شهرکهای صنعتی و میزان تعلق آنها یکی از مهم‌ترین پارامترها در اثربخشی شهرکهای صنعتی در توسعه مناطق سکونتگاهی است. این شاخص به خوبی می‌تواند نشان دهد که روندهای فضایی متأثر از شهرکهای صنعتی به چه سمت و سویی سوق دارد و پیامدهای حاصل از آن تا چه اندازه توانسته است در بسترسازی مسائل توسعه اثرگذار باشد. شاخص محل سکونت فعلی و قبلی صاحبان کارگاهها بیانگر آن است که سرمایه موجود از شهر به شهرک-های صنعتی انتقال یافته و صاحبان کارگاهها دارای منشأ شهری می‌باشند و سود حاصل از استقرار شهرکهای صنعتی به شهرها می‌رسد و حتی در ارتباط با یک مورد سرمایه‌گذار روستایی نیز با توجه به جاذبه‌های شهری به شهر منتقل گردیده است. بنابراین این عامل نمی‌تواند در توسعه منطقه‌ای و مخصوصاً توسعه سکونتگاههای روستایی مؤثر واقع گردد. شاخص محل سکونت فعلی و قبلی کارگران نیز بیانگر آن است که صاحبان کارگاهها بیشتر از ۷۰ درصد نیروهای کارگری خود را از شهر تأمین می‌کنند و این روند بیانگر آن است که سود حاصله بیشتر به شهر بر می‌گردد. این عامل نیز مانند شاخص محل سکونت صاحبان کارگاهها به نفع جامعه شهری عمل می‌کند و از این‌رو در توسعه فضایی سکونتگاههای روستایی پیرامون نمی‌تواند چندان کارگشا باشد. (جدول شماره ۴).

جدول ۴، محل سکونت صاحبان کارگاهها و کارگران شاغل در شهرکهای صنعتی شهرستان لامرد

محل سکونت		فعلی (تعداد)		قبلی (تعداد)	
صاحبان کارگاهها		شهر	روستا	شهر	روستا
		۱۰	۱	۹	۲
کارگران شاغل		۶۴	۲۶	۴۹	۱۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۸

میزان سواد شاغلین در ناحیه صنعتی:

در این بررسی ۱۴۰ نفر شاغل در شهرکهای صنعتی نیرایی و زنگنه میزان سواد خود را عنوان نموده‌اند. سنجش شاخص سواد با میزان تحصیلات افراد در سه زیر گروه افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم، دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم و دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بررسی گردیده است. از این تعداد، ۸۹ نفر و برابر با ۶۴ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم بوده‌اند، ۲۸ نفر و برابر با ۲۰ درصد دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم و ۲۳ نفر برابر با ۱۶ درصد نیز دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بوده‌اند. (جدول شماره ۵). این روند بیانگر آن است که میزان تحصیلات کارگران شاغل در واحدهای صنعتی در سطح پایینی قرار دارد. موضوعی که می‌تواند در عدم کارآمدی و پایداری کارگاهها و عدم ایجاد نگرش‌های نو در واحدهای صنعتی و فراهم‌سازی شرایط متناسب با بازار تأثیرگذار باشد و در نهایت روند توسعه روستایی را باکندی همراه سازد.

جدول ۵، میزان سواد شاغلین کارگاههای صنعتی مورد مطالعه

عنوان	زیر دیپلم	دیپلم و فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر
تعداد	۸۹	۲۸	۲۳
درصد	۶۴	۲۰	۱۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۸

سازمان صادر کننده، وضعیت حقوقی، وضعیت مالکیت و نحوه مدیریت کارگاهها :

بر اساس اطلاعات میدانی، سازمان صادر کننده مجوز فعالیت وزارت صنایع و نحوه مدیریت کارگاهها خصوصی و تعاونی عنوان گردیده است. وضعیت حقوقی کارگاهها از مجموع ۱۱ کارگاه، ۵ کارگاه دارای وضعیت حقوقی فردی و شرکت غیررسمی، ۲ شرکت به صورت تعاونی و ۴ کارگاه دارای وضعیت حقوقی سایر شرکتهای رسمی است. وضعیت مالکیت کارگاه در ۲ مورد به صورت تعاونی و ۹ کارگاه نیز دارای مالکیت خصوصی است. این وضعیت نشان می‌دهد که: بیشتر کارگاهها به صورت خصوصی اداره می‌گردند و کارگاههای تعاونی که به مباحث مشارکت نزدیکتر و اثرات فضایی آنها بیشتر می‌تواند باشد، کمتر دیده می‌شود. بنابراین هر چند با استفاده یک سیاستگذاری هدفمند می‌توان کارگاههای با وضعیت حقوقی و مالکیت خصوصی به سوی توسعه منطقه‌ای سوق داد، اما در شرکتهایی با وضعیت حقوقی تعاونی این امر به صورت نهادی دارای تسهیل بیشتری است. با این اوصاف ساختار حقوقی و مالکیت کارگاههای صنعتی کمتر در اختیار توسعه منطقه‌ای است.

نتیجه‌گیری:

- ۱- بر اساس بررسی روند شاخص‌های جمعیتی، شهرکهای صنعتی نتوانسته است در پهنای منطقه‌ای روندهای جمعیتی را بهبود بخشد و بیشتر سکونتگاههای روستایی محدوده شهرک های صنعتی به نرخ رشد منفی رسیده‌اند.
- ۲- شهرکهای صنعتی شهرستان لامرد (نیرایی و زنگنه) نتوانسته‌اند به اهداف مد نظر در تأسیس شهرک های صنعتی (کاهش مهاجرت روستاییان به شهر، اشتغال‌زایی) دست یابند و به عنوان عاملی اثرگذار در توسعه منطقه‌ای محسوب گردند.
- ۳- توسعه اقتصادی، اجتماعی و فضایی- کالبدی سکونتگاههای روستایی محدوده شهرک های صنعتی لامرد (نیرایی و زنگنه) تحت تأثیر مستقیم پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فضایی- کالبدی استقرار این شهرک های صنعتی نمی‌باشد.

همانگونه که ذکر گردید هر چند استقرار شهرک های صنعتی نیرایی و زنگنه در شهرستان لامرد نتوانسته تا امروز اثرات خود را در پهنه‌ی منطقه‌ای استوار سازد، اما این امر با تغییراتی در مکانیسم سرمایه‌گذاری آن و ایجاد تسهیلات لازم به روستائیان جهت مشارکت در سرمایه‌گذاری و تأسیس کارگاههای صنعتی (از طریق تشکیل تعاونی‌ها) می‌تواند اثرات مفیدی را در پهنه منطقه‌ای و دستیابی به اهداف توسعه پایدار روستایی به همراه داشته باشد.

پیشنهادات:

۱- جهت اثرگذاری مستقیم و جلوگیری از انتقال سرمایه‌های حاصل از شرکت‌های صنعتی مستقر در نواحی روستایی به مناطق شهری، ایجاد تسهیلات بیشتر به روستائیان در قالب اعتبارات بلند مدت و اعطای امتیازات و جذب سرمایه‌های اندک روستائیان در قالب تشکیل شرکت‌های تعاونی، ضمن کاهش انگیزه‌های مهاجرت روستائیان، اهداف بلندمدت تأسیس این نوع شهرک ها در مناطق روستایی نیز حاصل می‌شود.

۲- برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت توسط مدیریت شهرک های صنعتی استان و شهرستان می‌تواند در بالابردن میزان آگاهی شاغلین نقش مؤثری داشته باشد.

۳- ایجاد شرایط فیزیکی مانند راه‌های دسترسی مناسب و دسترسی به خدمات سهل تر برای روستائیان.

۴- تأمین رشد موزون فیزیکی و هماهنگ صنایع به تناسب فراهم ساختن خدمات زیربنایی و تسهیلات اجتماعی _ اقتصادی متمرکز مورد نیاز.

۵- ممانعت از برهم خوردن تعادل‌های زیست محیطی، گسترش آلودگی و تخریب منابع طبیعی در مناطق روستایی محدوده شهرک صنعتی.

منابع:

۱. حیدری، ایوب (۱۳۸۱): توسعه و موانع توسعه در ایران، انتشارات گفتمان، چاپ اول، تهران.
۲. سلیمانی، محمد (۱۳۷۱): «صنعتگرایی و تحولات شهرنشینی اراک با تأکید بر تأثیرات متقابل شهر اراک و شهر صنعتی»، پایان نامه دوره دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۳. شرکت شهرکهای صنعتی ایران (۱۳۶۴): راهنمای برنامه ریزی برای استقرار صنایع، تلخیص: مهدی آموزگار، تهران.
۴. شهرکهای صنعتی به روایتی دیگر (۱۳۷۸): انتشارات شرکت شهرکهای صنعتی ایران، چاپ اول، تهران.
۵. طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۸): «نقش نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی»، پایان نامه دوره دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۶. طاهرخانی، مهدی (تابستان و پاییز ۱۳۸۱): «صنایع کوچک، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۷، شماره پیاپی ۶۶-۶۵، مشهد، صص ۱۵۱-۱۶۸.
۷. طاهرخانی، مهدی (مهر ۱۳۸۰): «نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳۳، شماره ۴۰، تهران، صص ۳۳-۴۵.
۸. غلامرضایی، زرغام (۱۳۸۶): «عملکرد شهرک های صنعتی در توسعه منطقه‌ای مورد: شهرک های صنعتی شماره یک خرم آباد»، پایان نامه دوره دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۹. کاسترو، فیدل (۱۳۶۵): بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، ترجمه غلامرضا نصیرزاده، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران.
۱۰. کلانتری، خلیل (۱۳۸۸): برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری و تکنیک‌ها)، انتشارات خوشبین، چاپ سوم، تهران.
۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵ و ۱۳۸۵): نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان لامرد، تهران.
۱۲. مطالعات صنعت و فضا (۱۳۷۲): شهرک های صنعتی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، چاپ اول، تهران.

۱۳. مطیعی لنگرودی، سید حسن (تابستان ۱۳۸۰): «اثرات اقتصادی-اجتماعی شهرک های صنعتی در نواحی روستائی مطالعه موردی: شهرک های صنعتی مشهد»، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، سال ۱۶، شماره ۶۱، مشهد، صص ۲۱-۳۸.
۱۴. مطیعی لنگرودی، سیدحسن (۱۳۸۰): طرح پژوهشی اثرات اقتصادی- اجتماعی شهرک های صنعتی در نواحی روستائی مورد: مطالعه شهرک های صنعتی مشهد، معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی، مشهد.
۱۵. مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی (۱۳۷۸): تعیین اولویت های سرمایه گذاری های صنعتی جهت تقویت، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، چاپ اول، تهران.
۱۶. نجفی کانی، علی اکبر (۱۳۸۵): «نقش شهرکها و نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستائی از دیدگاه توسعه پایدار مطالعه موردی: شهرکها و نواحی صنعتی شهرستان بابل»، رساله دوره دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.
۱۷. Abraham, T.(۱۹۹۴): Rural industries and rural industrialization in developing economy; India Application, IISD, ۱۹۹۹
۱۸. Hag, MT. (۱۹۷۹): Industrialization in relation to integrated rural development whit reference to Bangladesh :industry and development .No۴
۱۹. Misra.R.P and Achyuta, RN. (۱۹۹۰): Micro-level rural planning :principle:methods and case stady:concept publishing company :New dehli
۲۰. Nayak, us. (۱۹۹۴): rural industrialization M.D.publication pvt.new Dehli India
۲۱. UNIDO (۱۹۹۱): Industry and development .Global report
۲۲. UNIDO (۱۹۸۴): The role of small and medium scale industries in OIC member states:No۹
۲۳. Rogers, D. (۱۹۷۸): Industrialization in com Benefits and the Rural community Rural Sociology.vol .۴۳
۲۴. Shin, J.T. (۱۹۸۵): Decentralized industrialization and rural Non .FramEmployment in Taiwan Association of development research and training institutes of Asia and the Posific
۲۵. <http://www.farsieci.ir>.